

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تفاوت بین جاهل و ناسی، در حکم به صحت صلاه، در نظر مرحوم خوئی(ره)

عرض کردیم که مرحوم آقای خوئی(قدس سره) در مواردی با انظار مرحوم آخوند(ره) در این بحث مخالفت فرموده‌اند، که عمده آن را بیان کردیم.

به این قسمت رسیدیم که ایشان فرموده‌اند: باید بین جاهل و ناسی فرق قائل شد. اگر کسی در دار غصبی نماز خواند، در صورتی که جاهل به جهل قصوری باشد، به بطلان این صلاه حکم می‌کنیم. اما اگر ناسی باشد، باید تفصیل داد، اگر نسیانش عن تقصیر باشد، باز باید به بطلان این صلاه حکم کنیم. اما اگر نسیانش، عن قصور باشد، اینجا این صلاه، صحیح است.

فارق که بین جاهل و ناسی بیان می‌کنند این است که، در صورت جهل، فعلیت حرمت غصب از بین نمی‌رود، چون علم و جهل در احکام واقعیه دخالتی ندارد. در صورت جهل، حرمت الغصب به فعلیت خودش باقی است، لذا به بطلان این صلاه حکم می‌کنیم، یعنی روی قول به امتناع، اگر جانب نهي را بر جانب امر مقدم کردیم، باید بگوییم: این حرمت الغصب فعلیت دارد و لذا این صلاه، صلاه باطلی است.

اما در باب نسیان، نسیان حقیقتاً سبب رفع حکم می‌شود. فرق بین نسیان و جهل در همین است که، جهل موجب رفع حکم نمی‌شود، احکام ثابتند بدون فرق بین اینکه، مکلف به آنها عالم یا جاهل باشد، اما نسیان سبب رفع حکم می‌شود.

خطاب و تکلیف به جاهل قبیح نیست، ولی کسی که ناسی است، خطاب نسبت به او قبیح است. لذا فرموده‌اند: رفع نسبت به نسیان، يك رفع حقیقی است. لذا نظر ایشان بر این بود که، باید بین نسیان و جهل این فرق را در اینجا قائل شد.

نقد و بررسی این نظریه مرحوم خوئی(ره)

نکته‌ای که وجود دارد این است که، اولاً در جای خودش باید این بحث شود که، آیا نسیان موجب رفع حقیقی حکم است یا نه؟ آیا کسی که ناسی است واقعاً و حقیقتاً حکم از او برداشته می‌شود یا نه؟ این به جای خودش و به بحث اصولی خودش موکول می‌شود.

اما اشکال دیگری که وجود دارد این است که، اگر دلیل این باشد، چرا بین نسیان عن تقصیر و نسیان عن غیر تقصیر، فرق گذاشته‌اید، در هر دو صورت باید بگویید: نسیان موجب رفع حکم می‌شود.

تفصیل دیگری درباره‌ی ناسی در حاشیه عروه

در حاشیه عروه باز در نسیان يك تفصیل دیگری هم داده‌اند که، ناسی که می‌گوییم: نمازش در دار غصبی صحیح است، در جایی است که این ناسی غاصب نباشد، «فیما اذا لم یکن غاصباً»، یعنی اگر کسی خانه‌ای را غصب کرد و بعد یادش رفت، نسیان نسبت به حکم یا موضوع پیدا کرد، در اینجا فرموده‌اند: این ناسی نمازش باطل است.

ناسی که می‌گوییم: در دار غصبی نمازش باطل نیست و صحیح است، آن است که غاصب نباشد.

نقد و بررسی این تفصیل

طبق این مبنایی که در اصول در اینجا دارند که، نسیان حقیقتاً موجب رفع حکم می‌شود، باید بین غاصب و غیر غاصب و همچنین بین مقصر و غیر مقصر، نباید فرقی باشد.

تشکیک در نسبت دادن مرحوم آخوند(ره) نه مشهور

ظاهر این است که عرض کردیم که، ایشان فرموده‌اند: این را که مرحوم آخوند(ره) به مشهور نسبت داده‌اند که، مشهور صلاه در دار غصبی را اگر از روی جهل قصوری و نسیان باشد، صحیح می‌دانند، نمی‌توانیم بپذیریم، این که آیا این فتوای مشهور، روی قول به امتناع و تقدیم جانب نهي است یا نه؟ این که بگوییم: مشهور، روی قول به امتناع و تقدیم جانب نهي، آن هم در دو صورت جهل قصوری و نسیان، فتوای به صحت داده‌اند، برای ما معلوم نیست.

نقد و بررسی این تشکیک مرحوم خویی(ره)

همین مقدار از تشکیک هم، از ایشان تعجب است، برای اینکه وقتی به کتاب عروه مراجعه می‌کنید، در کتاب الصلاه، در بحث مکان مصلی، برای مکان مصلی شرائطی را صاحب عروه ذکر کرده و یکی از شرائط این است که، مکان باید مکان مباهی باشد، بعد فرموده‌اند: «فالصلاه في المكان المغصوب، باطله»، نماز در مکان غصبی باطل است.

البته در اینکه در مکان غصبی بعضی‌ها گفته‌اند که: مقصود آن محلی است که سجده می‌شود و موضع سجده اگر غصبی باشد، نماز باطل است و الا اگر موضع سجده غصبی نباشد، نماز اشکالی ندارد، کاری به آن نداریم.

در ادامه در وسط‌های مسئله فرموده‌اند: «و انما تبطل الصلاه اذا كان عالماً عامداً»، این نماز باطل است، اگر عالماً عامداً، یعنی عالم به حرمت الغصب و به اینکه این زمین، زمین غصبی است باشد و عمدتاً هم در اینجا نماز بخواند. اما «اذا كان غافلاً او جاهلاً او ناسياً فلا تبطل». اگر غافل یا جاهل یا ناسی باشد، اینجا باطل نیست.

فقهایی که بر اینجا حاشیه زده‌اند، همه این را که «اذا كان غافلاً او جاهلاً او ناسياً فلا تبطل» قبول دارند. بلکه بعضی‌ها این قید را زده‌اند که، غافل و جاهل و ناسی که «لا یكون غاصباً»، قید غیرغاصب را زدند.

مرحوم آقای بروجردی(ره) حاشیه زده‌اند که: «مع كونه غير الغاصب»، امام(ره) در حاشیه فرموده‌اند: «الاحوط مع كون الناسي هو الغاصب البطلان»، منتهی بعد دو مرتبه از همین هم عدول کرده و فرموده‌اند: «و ان كان عدم البطلان مطلقاً»، مطلقاً، یعنی چه ناسی غاصب باشد، چه غاصب نباشد، «لا یخلوا من قوه»، عدم البطلان را فرموده‌اند: خالی از قوت نیست.

آنچه که هست این که، با اصل این فتوایی که مرحوم سید(ره) داده‌اند، هیچ کس مخالفت نکرده، یعنی از مسلمات بین مشهور، اگر نگوییم بین جمیع فقهاء، این است که اگر کسی غافلاً یا جاهلاً یا ناسیاً، در دار غصبی نماز خواند، نمازش صحیح است. در اینکه مشهور چنین فتوایی دارند، تردیدی وجود ندارد.

از آنطرف مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: همین مشهور در بحث اجتماع امر و نهي هم، امتناعی هستند و هم جانب نهي را مقدم کرده‌اند. خود مرحوم آخوند(ره) هم یکی از آنهاست و جانب نهي را هم مقدم کرده‌اند.

خوب وقتی مشهور امتناعی شده، جانب نهي را هم مقدم کرده‌اند، از طرف دیگر هم در فرض جهل و غفلت و نسيان، فرموده‌اند: نماز در آنجا صحیح است. پس معلوم می‌شود که مشهور روی امتناع و تقدیم جانب نهي در فرض جهل و نسيان و غفلت باز نماز را صحیح می‌دانند.

لذا این که مرحوم آقای خوئی(قدس سره) تردید می‌کنند که، «و لم يعلم من حالهم انهم حکموا بالصحة حتي علي القول بالامتناع و وحدت المجمع، بل المعلوم عكس ذلك، أي حکموا بالبطلان دون الصحة». عبارت ایشان این است که فرموده‌اند: «و لم يعلم»، معلوم نیست که مشهور حتی روی قول به امتناع و وحدت مجمع، حکم به صحت کرده باشند. بلکه آنچه که برای ما معلوم است «عكس ذلك، أي حکموا بالبطلان دون الصحة»، این خیلی تعجب از ایشان است، وقتی ما عبارت مرحوم سید(ره) را در اصل فتوی می‌بینیم که، هیچ کس با ایشان مخالفت نکرده‌است.

بله يك حواشي اضافه‌ای زده اند که، غاصب نباشد و ...، اما در اصلش همه متفق هستند که، نماز در دار غصبی اگر جاهل و غافل و ناسی باشد، صحیح است و از طرف دیگر، همین مشهور هم امتناعی هستند و این خیلی بعید است که در اصول امتناعی شده، اما در این فتوی روی مبنای جواز اجتماع امر و نهي که بر خلاف مبنایشان است، فتوی می‌دهند.

علي اي حال این اسنادی که مرحوم آخوند(ره) به مشهور داده به نظر ما اسناد درستی است، وقتی يك مقداری هم در فتاوی فقهاء تتبع شود، به خوبی به این اسناد می‌رسیم.

تا اینجا در این مقدمه دهم، نظر مرحوم آخوند(ره) را بیان کردیم و اشکالات مرحوم نائینی(ره) را ذکر کرده و جواب دادیم، اشکالات مرحوم آقای خوئی(ره) بر مرحوم آخوند(ره) را هم ذکر کرده و جواب دادیم.

اشکال سومی که می‌خواهیم مطرح کنیم، اشکالی است که مرحوم محقق بروجردی(ره) در حاشیه کفایه، بر مرحوم آخوند(ره) داشته‌اند.

توضیحاتی درباره مرحوم بروجردی(ره)

مرحوم بروجردی(ره) که قبر مبارکشان، در ورودی مسجد اعظم، بین مسجد و بالاسر قرار دارد، واقعاً از بزرگان و محققین بسیار بزرگ بوده‌اند و در زمان خودشان، بعضی از بزرگان معتقد بودند که، ایشان از اکابر نجف، مثل مرحوم نائینی(ره) و مرحوم عراقی(ره) و اینها کمتر نیست، قطعاً در فقه و اصول و رجال و سایر علوم، تبحر بسیار بالایی داشته‌اند.

در فقه، اینطوری که والد بزرگوار ما(رحمه الله) نقل می‌کنند، طوری بود که ایشان، برای هر مسئله فقهی، يك پرونده خاصی را تشکیل داده بودند، این مسئله از چه زمانی مطرح شده؟ کی مطرح کرده؟ مدارکش چیست؟ اهل سنت چه نظری دارند؟ تمام را کاملاً ایشان واقف بوده‌اند.

يك اصول بسیار جمع و جور، و مختصر و در عین حال محکم هم داشته‌اند. اصول ایشان، یکی بنام نهایه الاصول، تقریراتی است

که از ایشان نوشته شده و دوم: کتابی است بنام لمهات الاصول، که باز هم تقریرات ایشان است که به قلم مبارك امام(ره) نوشته شده است.

حکایتی در عظمت مرحوم امام(ره)

امام(ره) در همان زمانی که، خودشان هم درس خارج می فرمودند و بزرگانی هم، در درس ایشان شرکت می کردند، ولی باز در درس مرحوم آقای بروجردی(ره) حاضر می شدند.

والد ما(ره) نقل می کردند که، می رفتیم درس امام و از آنجا با يك عده ای از فضلاء، در خدمت امام(ره)، درس مرحوم آقای بروجردی(ره) می رفتیم. گاهی اوقات، بعضی از تلامذه امام(ره) به ایشان اشکال می کردند که، خود شما که دیگر صاحب مبنا و رای هستید، دیگر نیازی نیست به اینکه در آن بحث بیاید و آیا برای احترام ایشان، شما به این درس می آید یا نه؟ ایشان فرموده بودند: نه، من برای استفاده در درس ایشان حاضر می شوم.

خوب واقعاً این روحیه ها و این نفوس طیبه و این نیت های خالصه سبب می شود که، يك شخصیتی مثل امام(ره) درست شود و اینچنین تاثیرگذار باشد، که واقعاً هوا و هوس نفسانی سبب نمی شود که، خودش را از يك درسی که مورد استفاده ایشان بوده، محروم کند و ابائی هم نداشتند.

حتی من شنیدم که ایشان، همین درس را در منزل می نوشتند، حتی بعضی از روزها که تشریف نمی بردند، که یا مریض بودند یا کسالت داشتند، از افرادی که در درس حاضر بودند، آن نوشته ها را می گرفتند و می نوشتند.

این واقعاً در حیات علمی امام(رضوان الله علیه)، يك نکته بسیار مهمی است، که هر جایی بحثی برایشان مورد استفاده بوده، شرکت می کردند و از آن درس استفاده می کردند.

خیلی به صورت طبیعی هم شرکت می کردند، نه اینکه بیايند در يك درسی، یا به يك عنوانی بگویند که، می رویم ببینیم که این آقا چی دارد مثلاً.

گاهی اوقات، بعضی ها را به قدری غرور علمی می گیرد که، می گوئیم که: درس فلان آقا می روید؟ می گوید: بله، اما می خواهم ببینیم چی دارد؟ یعنی به يك لحنی تعبیر می کند که، او چیزی نیست. آخرش هم تخریب می کند و می گوید: نه، ما که در درس ایشان چیزی ندیدیم.

نباید اینطور برخورد کرد، یعنی واقعاً هر کسی در حد خودش، زحمت کشیده و می کشد، انسان یا درسی برایش استفاده دارد، خوب حضور پیدا می کند، استفاده هم نداشت ترك می کند، بدون اینکه بخواهد تخریب کند، حرفی بزند، که نسبت به افراد تنقیصی وارد کند. واقعاً اینها يك آثاری دارد که، در همین زندگی هم واقع می شود.

خاطره ای از استاد محترم در این باره

يك داستانی که برای خود من واقع شده، عرض کنم، که ببینید که واقعاً چقدر مسئله مهم است.

ما در همان ادبیات، اوائل طلبگی بود، درس آقایی شرکت می کردیم، آن موقع، همان بحث را، یکی از معارف ادبی حوزه هم شروع کرد. آن آقا با اینکه خیلی هم به ما احترام می کرد، خیلی هم برای ما وقت می گذاشت، خیلی هم دقت می کرد، اما ما

گرفتار شهرت آن شخص دوم شده و به آن آقا خیلی صریح گفتیم که: این درس برای ما خیلی استفاده ندارد، اجازه دهید که درس دیگری برویم.

اوائل طلبگی بود ما هم خیلی مثل حالا، حالا هم همینطور هستیم، واقعاً پختگی نداشتیم، در گفتار و زبانمان دقت نداشتیم. ایشان هم با کمال بزرگواری فرمودند: بسیار خوب است، من هم می‌خواهم شماها رشد کنید، بروید درس هر کسی که می‌توانید از آن استفاده کنید. ما هم درس آن آقا رفتیم.

چند سالی گذشت، همان درس را خود من برای پنج، شش نفر، در همین بالا سر شروع کردم. همان درسی که از ادبیات بود و آن پنج، شش نفر هم، همه از جهت سنی و از جهت لحن از ما خیلی بزرگتر بودند. همان درس را شروع کردم و تقریباً دو، سه هفته‌ای که گذشت، در آن دو سه هفته هم، این طلبه‌ها خیلی تعریف و تشکر می‌کردند. باز یکی از معارف همان بحث را شروع کرد، این طلبه‌هایی هم که آنجا بودند، درست عینه همان تعبیری را که خودمان قبلاً گفته بودیم، به ما گفتند که: آقا فلان آقا شروع کرده و ایشان واردتر است و ما می‌خواهیم که بیشتر استفاده کنیم و می‌خواهیم درس ایشان برویم.

این واقعاً خیلی مهم است و انسان می‌تواند به يك تعبیر و لحن دیگری، مسئله را بیان کند، اما اینچنین بیان کردن، این اثر را دارد.

علي اي حال امام(ره) از خصوصیات بزرگش، واقعاً در حیات علمیش این بوده که، واقعاً نسبت به بزرگان و مشایخ خودشان، نهایت احترام را داشته‌اند، که از جمله مشایخ ایشان، مرحوم آقای بروجردی(ره) بوده، که همین لمحات الاصول، که این اواخر هم در يك جلد چاپ شد، تقریراتی است که امام(ره) از درس ایشان نوشته‌اند.

اشکال مرحوم بروجردی(ره) بر مرحوم آخوند(ره)

مرحوم آقای بروجردی(ره) در زمانی که در بروجرد بوده‌اند، قبل از اینکه بروند نجف، حاشیه‌ای بر کفایه نوشته بودند، این حاشیه ایشان بر کفایه، در دو جلد چاپ شده و این مطلبی که می‌خواهیم عرض کنیم، در تقریرات نیست، بلکه در حاشیه ایشان بر کفایه است.

ایشان در آنجا به مرحوم آخوند(ره) اشکال کرده، – البته باز این را هم شنیدید که، مرحوم آخوند(ره) از کسانی که يك اجازه اجتهاد بسیار قوی و محکم و بلند بالا برایشان نوشت، مرحوم آقای بروجردی(ره) بود و بسیار مرحوم آخوند(ره) به این شاگرد خودشان معتقد بود– فرموده‌اند که: به نظر ما نباید امر را، دائر مدار اجتماع و امتناع کنیم، بلکه در اینجا امر را دائر مدار نسیان و جهل کرده و می‌گوییم: اگر کسی در دار غصبی نماز خواند، ناسیاً یا جاهلاً که مراد جهل قصوری است، چه جوازی شویم و چه امتناعی، نمازش صحیح است. اگر هم کسی جاهل و ناسی نبود و در دار غصبی نماز خواند، چه جوازی شویم و چه امتناعی، این نماز باطل است.

فرموده‌اند: نباید صحت و فساد را دائر مدار اجتماع و امتناع قرار داد، بلکه باید دائر مدار این عناوین قرار داد. چون در جایی که کسی عالم یا جاهل مقصر است، درست است که ملاک عبادیت در آن وجود دارد، اما چون این ملاک با ملاک مبغوضیت و مفسده همراه است، این همراهی سبب می‌شود که، این ملاک نتواند عنوان مقربیت را داشته باشد، «لا یكون مقرباً».

اینجا که این نماز ملاک عبادی دارد، اما چون در فرض علم و جهل عن تقصیر، ملاک مبغوضیت هم، همراه این ملاک عبادیت است، چون ملازم و مقارن با يك ملاک مبغوضی است، نمی‌تواند مقرب الي المولا باشد.

اما در جایی که جاهل یا ناسی است، فقط ملاک مقربیت هست، و مبغوضیت در اینجا نیست، حالا که مبغوضیت نیست، این

ملاك مقرب مي شود، پس نماز مطلقا صحيح است، چه قائل به امتناع يا اجتماع شويم.
اين اجمالي از بيان ايشان هست، اين را دقت كنيد كه، آيا اين بيان تام است يا نه؟

وصلی الله على محمد و آله الطاهرين